

منشور امام صادق (ع) به کارگزاران حکومت اسلامی:

امام صادق علیه السلام همانند امام علی(ع) در عهدنامه خود به مالک اشتر در حدیث جامعی منشور جاویدی برای همه حاکمان دینی در جمیع زمانها و مکانها باقی گذاشته است که از آن استفاده می‌شود. مشکل حکومت اسلامی فقدان قانون آزاد نیست. بلکه کمبود مجری آزاده است. زیرا قانون الهی از هر گونه چهل و غفلت و تبعیض آزاد است. «و الله يقول الحق» هیچ نقص علمی در محدوده قانون خداوند راه ندارد. نظامی را که ذات اقدس الهی آفرید با این قانون هماهنگ است. خداوند نه انسان را بی تفاوت خلق کرد، نه جهان را؛ بلکه هم انسان را در ساختاری آفرید که جز حق نمی‌پذیرد؛ «فاقم وجهک للدين حنیفا فطرت الله التي فطر الناس علیها لا تبدل لخلق الله ذلك الدين القيم» و «و نفس و ما سویها فالهمهما فجورها و تقویها قد افلح من زکیها و قد خاب من دسیها». هم نظام هستی را بر پایه حق آفرید؛ «ما خلقنا السموات و الارض و ما بینهما الا بالحق» «و ما خلقنا السماء و الارض و ما بینهما باطلا» پس اساس عالم و آدم بر حق است و اگر کسی برخلاف آن عمل نماید، چه در مسایل شخصی یا جهانی، پایدار نمی ماند. هر قصری که بنا کند پس از مدتی از پای در می‌آید. چون قصر کاذب دوام ندارد. بنابراین هر مشکلی که در طول تاریخ برای حکومت‌های دینی پدید آمد، به سبب کمبود مجریان آزاده و حق محور بوده است. از این رو در قرآن کریم به همان اندازه که به قانون توجه کرده است به همان اندازه یا بیشتر از مباحث اخلاقی سخن گفته است. همچنین بخش وسیعی از روایات اسلامی را افزون بر مباحث فقهی و حقوقی، بحث‌های اخلاقی در بر گرفته است. زیرا قانون هر چند حق و عدل باشد، اگر در دست مجری غیر عادل قرار بگیرد، سود بخش نخواهد بود.

البته حدیث امام صادق(ع) بیشتر ناظر به بخش‌های اخلاقی کارگزاران حکومت دینی است، ولی عهد نامه مالک اشتر افزون بر تذکره اخلاقی، بخش نامه عملی را نیز به همراه دارد. زیرا علی(ع) خود حاکم و والی مسلمین بود، عهدنامه او به مالک جنبه بخش نامه‌ای نیز دارد.

گفتنی است، طرح و بررسی حدیث شریف امام صادق(ع) دو فایده مهم دارد:

۱ - فایده علمی، زیرا ما را به شیوه حکومت اسلامی و شرایط مجریان و کارگزاران آن آشنا می‌کند.

۲ - فایده دیگر مربوط به مبلغان دینی است. زیرا رسالت مهم هدایت مردم در پرتو سجایای اخلاقی و وارستگی مبلغان جامعه عمل می‌پوشد. از این رو، این حدیث شریف و مانند آن باید راهنمای عملی برای همه کارگزاران حکومت دینی و مبلغان دینی که رسالت بزرگ هدایت مردم را به عهده دارند، قرار گیرد.

«روی الشهید الثانی الشیخ زین الدین فی (رساله الغیبه) باسناده عن الشیخ الطوسی عن المفیده عن جعفر بن محمد بن قولویه عن ایبه عن سعد بن عبدالله عن احمد بن محمد بن عیسی عن ایبه محمد بن عیسی الأشعری عن عبدالله بن سلیمان النوفلی قال: کنت عند جعفر بن محمد الصادق(ع)

عبدالله بن سلیمان نوفلی می‌گوید: در محضر امام صادق(ع) نشسته بودم که خدمت گزار عبدالله نجاشی کارگزار حکومت بنی عباس در اهواز بر آن حضرت وارد شد، او پس از سلام نامه عبدالله را به امام صادق(ع) داد و امام(ع) نامه را گشود و خواند.

عبدالله نجاشی به امام ششم(ع) نوشت: به نام خداوند بخشنده مهربان... من به سمت ولایت اهواز مبتلا شدم. تقاضایم از آقا و مولایم این است که بخش نامه و دستور العملی را برایم مرقوم فرمایید که عمل به آن سبب تقرب من به خدا و رسولش گردد. همچنین وظیفه‌ام را درباره چگونگی پرداخت امور مالی (زکات) و مصرف آن مشخص کنید (و جوهاتم را به چه کسی بپردازم). رابطه اجتماعی ام را نیز بیان کنید که با چه کسانی ارتباط نداشته باشم، سخن چه کسانی را قبول کنم و حرف چه گروهی را نپذیرم، با حکومت وقت چگونه رفتار کنم. با همکاران و ارباب رجوع چگونه رفتار و برخوردی داشته باشم، به چه کسی اطمینان کنم و اسرار مرا با او در میان گذارم؟ می‌دانست که خداوند مرا با هدایت شما که حجت خدا بر خلق و امین او در زمین هستید رهایی بخشید. نعمت او بر شما مستدام باد.

امام صادق(ع) جواب نامه عبدالله را در حضور من مرقوم فرمود: به نام خداوند



آیت‌الله جوادی آملی



بخشنده مهربان، خداوند تو را به صنع و قدرت خود حفظ کند و با منت خویش به تو لطف کند و در کف حمایت خود قرار دهد. بدرستی که او ولی این کار است. سپس امام(ع) نوشت: نماینده شما نامه تان را به من رساند و آن را خواندم و از همه خواسته هایی که در آن بیان داشتی با خبر شدم. چنین در یافتم که سمتی را از حکومت عباسیان در اهواز پذیرفتی. از آنجا که تو از شیعیان ما هستی، از این خبر هم مسرور شدم، هم ناراحت.

سرور من از پذیرش سمت شما در دستگاه جور عباسی از این جهت است که امیدوارم که خداوند به وسیله تو گرفتاران از آل محمد صلی الله علیه و آله وسلم یعنی شیعیان را پناه دهد و مشکلی از آنها بگشاید و به وسیله تو شیعیان خوار و ذلیل را عزیز کند، آنان که پوشاک ندارند، بیوشاند، ضعیفشان را تقویت کند و آنها که در معرض آتش مخالفت مخالفانند، به کمک تو این آتش را خاموش سازد. و اما آنچه مرا از این خبر متأثر و ناراحت کرده و از آن ناخوشایندم آن که بیم آن دارم که یکی از شیعیان ما کار مشروعی داشته باشد و به تو مراجعه کند و تو عمداً موفق به انجام آن نشوی و شیعه ما ناامید کرده و برنجانی که در این صورت بوی بهشت به مشام تو نمی‌رسد و اما نسبت به درخواستهایی که بیان داشتی، به طور خلاصه به آنها پاسخ می‌گویم و امیدوارم که اگر به این بخشنامه عمل کنی و از آن تجاوز ننمایی، ان شاء الله از خطرهایی که تو را تهدید می‌کند، سالم بمانی. و سعی می‌کنم درباره خواسته هایت خالصانه سخن بگویم. چون من خود باید نخستین کسی باشم که به حدیث جدم عمل کنم، زیرا آن حضرت فرمود: اگر کسی با برادر مومنی درباره امری مشورت کند و او رای ناب و خالص را به وی ارائه ندهد، خداوند عقل و خردش را از او می‌گیرد. همانگونه که اگر کسی مالش را به جا مصرف نکند و حقوق مالی خود را نپردازد، خداوند آن مال را از او می‌گیرد، احتکار علم و عقل و هوش و بجا مصرف نکردن آن مانند احتکار مال است - پس به آن عقلی که خدا به ما عطا فرموده، درباره مشورتی که به عمل آوردی، خالصانه به کار می‌گیرم و آنچه حق است را به تو می‌گویم که اگر بدان عمل کنی، از آنچه هراسناکی رهایی می‌یابی.

رای خالص من این است: بدان که راه رهایی تو از آنچه به سبب آن بیمناکی در رعایت امور ذیل است:

۱- باید از ریختن خون (بی گناهان) پرهیز کنی

۲- از اذیت و آزار اولیای الهی خودداری کنی

۳- با مردم مدارا کنی نه آن گونه نرم خو نرم رفتار باش که در تو احساس ضعف کنند و نتوانی مسئولیت خود را به خوبی انجام دهی (ضعف مدیریت نداشته باشی)، نه چنان شدید و خشن باش که تو را به داشتن قساوت قلب متهم کنند. شدت باید بدون قساوت ولی (نرم خوبی) بدون ضعف باشد.

۴- با صاحب خود (منصور دوانیقی) مدارا کن - بدان که او انسان خشن و قسی‌القلبی است. از این رو با فرستادگان او نیز مدارا کن چون اگر بخواهی به نام شیعه همواره انتقاد کنی به زحمت می‌افتی.

۵- بر پایه حق و عدل به رفق و فتق امور مردم بپرداز.

۶- هیچ‌گاه با سخنچین‌ها و نام‌ها رابطه برقرار مکن، آنان که اهل سعایت و سخن چینیاند، خود را به تو نجسباندند. نه تنها آنان را به حضور نپذیر، بلکه اگر نزد تو اظهار ندامت کردند، توبه شان را هم قبول نکن مراد از «صرف و عدل» این است: حتی اگر بگویند ما فلان خدمت را به جای فلان سعایت انجام دادیم که معادل و کفاره آن است، پس آن خدمت را کفاره سعایت ما قرار ده، از آنها نپذیر. این که در بحث‌های فقهی و حقوقی گفته می‌شود: خداوند صرف عدلی دارد، مراد از صرف، توبه است که نشانه انصاف گناهکار از گناه است. و منظور عدل معادل و کفاره است، آیه شریفه «عدل ذلک صیاما» یعنی هم‌تا و عدلش را بیاورد، کفاره‌اش را بدهد. طرد سخن چینیان برای این است که آنها عناصر مرموز و غیر قابل شناختند. از این رو امام(ع) هرگونه ایجاد رابطه با آنان را نهی فرمود و آنرا سبب غضب و انتقام الهی بر شمرده و به عبدالله نجاشی فرمود: اگر آنها را به حضور بپذیری، مورد غضب خدا قرار می‌گیری و خداوند پرده‌ها می‌برد و اسرار را هویا می‌کند.

۷- از مکر قبیله خوز اهواز بر حذر باش که پدرم از پدران خود از امیر المومنین

(ع) خبر داده است که ایمان هرگز در قلب یهودی و خوزی ثابت نمی‌ماند. ظاهراً قبل از اسلام چنین بودند، اما به برکت اسلام و ولایت اهل بیت عصمت (ع) این مکر از آن قبیله بر طرف شد. از این رو، بزرگانی چون شیخ انصاری و بسیاری از فحول علما در رشته‌های مختلف علمی از آن سرزمین بر خاستند. این مطالب مربوط به اوصاف سلبی بود. اما این که سوال کردی با چه کسانی رفاقت کنم و رفت و آمد داشته باشم، به چه اشخاصی اطمینان کنم و اسرارم را با چه افرادی در میان گذارم؟

۱- راز داری و راز داران:

فردی که با اومانوس شوی و از او احساس آرامش کنی و پناهگاهی برای امورت باشد؛ «تانس به و تستریخ الیه و تلجی امورک الیه» باید فردی باشد که امتحان داده، مستبصر، امین و موافق تو در دینت باشد، چون کسی که خداوند قلبش را به تقوا امتحان کرده است، در ردیف اولیای الهی قرار دارد. هر چند او به منزله شمع است در برابر آفتاب، لیکن هر دو نورند. شمع وجود مومن امتحان داده، در ردیف شمس وجود انبیاء و اولیا قرار دارد. نور ضعیف مومن در حد سعه وجودی خود روشنائی بخش است. مراد از «مستبصر» کسی است که نگاه کند و نگاهش با بصیرت باشد. زیرا آن که خواب است توانایی دیدن را ندارد و آن که نگاه می‌کند گاهی اهل نظر است، گاهی اهل بصر، چه بسا انسان به چیزی نگاه می‌کند ولی نمی‌بیند. مستبصر در کلام امام(ع) به معنای کسی است که دارای نگاه با بصیرت است چون بعضی از انسانها فقط اهل نظرند و «و تراهم ینظرون الیک و هم لا یبصرون» (۱۰) کسانی که پیامبر را صرفاً به عنوان فرد عرب (پسر عبدالله) از دودمان قریش می‌بینند، فقط خصوصیات شناسنامه‌ای تو را می‌دانند ولی به عنوان رسول الهی نمی‌بینند و نمی‌شناسند، اینان اهل نظرند، نه اهل بصر، به تو نظر می‌کنند اما آگاهی و بصیرت به تو ندارند.

پس فرمود: آنچه به تو مربوط است عامیان آن را تمیز ده. مخالف و موافق را تجربه کن، پس اگر کسی را آزمودی و دریافتی که از جهت تقوا، قلب امتحان شده دارد و به لحاظ هوش و خردمندی مستبصر و از جهت رازداری امین و موافق با دین توست، چنین کسی شایستگی آن را دارد که با او رفاقت کنی و به او اطمینان داشته باشی و اسرار تو را با او در میان گذاری.

۲- امور مالی و دارایی

از آنجایی که در دستگاه حکومت عباسی طنزایی، بذله گویی و مزاح و ساریندگی وجود دارد و تو باید مقداری از مال را ناگزیر در اینگونه امور و جشنواره‌ها که مورد رضایت خدا نیست صرف کنی، پس برای جبران و کفاره آنها معادل آن را در امور الهی و اخلاقی که مورد رضایت خداست، هزینه کن. یعنی اگر درمی‌یابی جامه‌ای را به صورت خلعت به کسی می‌دهی یا به کسی ارفاق می‌کنی که مرکبی سوار شود و از جایی به جایی برود و به مقصد خود برسد به شاعری میدهی که مداحی کرده یا به مضحکی عطا می‌کنی که خندانده یا به طنزایی می‌دهی که مزاح کرده است، همانند آن بودجه را برای تعلیم اخلاق و احکام و قرآن و حکمت که مورد رضایت الهی است، هزینه کن، جایزه‌ها و عطایا و خلعت‌های را به فرماندهان بسیج و لشکر بده که تلاش آنها برای حفظ دین است، به کسانی که در مسایل مربوط به حکومت پیک میان شما و مردمند به آنان که در جبهه‌های جنگ بسر می‌برند، به آنان که از اصحاب اخماسند، بپرداز. امام(ع) فرمود: به آنان که در یکی از این گردان‌ها حضور دارند، جایزه بده. اصحاب الشروط و الاخماس یعنی سربازان حاضر در یکی از قسمتهای پنجگانه میدان نبرد. شرط جمع شرطه به معنای سرباز است.

آنگاه امام(ع) شرایط این اموال را بیان فرمود: آنچه را از این اموال که اراده کردی در وجه بر و فتوت و صدقه و حج و... هزینه کنی، جوایز و عطایا و خلعت‌هایی که می‌بخشی، مصرف‌های شخصی و جامعه‌ای که با آنها و در آنها نماز می‌خوانی وصله رجم می‌کنی و صدقه می‌دهی. پولی که با آن به سفر مکه می‌روی، صلّه و هدیه‌ای که به خدا و رسولش (ص) اهدا می‌کنی و... همه اینها باید از مال حلال و صد در صد خالص و پاکیزه باشد، و گرنه گناه آن مضاعف است. چون اگر انسان مالی را از راه حرام به دست آورد و در راه حلال صرف کند،



از آن جهت اجازه این کار را ندارد، صرف آن در راه حلال نیز گناه محسوب می‌شود.

از این بیان امام(ع) استفاده می‌شود که مشکل دستگاه‌های حکومت نداشتن قانون نیست، بلکه فقدان انسان‌های آزاده است. آری، اگر چنین افرادی یافت شوند، همگان راضی خواهند بود. پس آنچه گفتنی بود، بیان گردید و لذا امام باقر(ع) به دو نفر از اصحابش می‌فرماید: به مشرق بروید یا مغرب، حرف همین است که ما می‌گوییم، قال ابوجعفر(ع) لسلمه بن کهیل و الحکم بن عقیبه شرقا او غربا لن تجدا علما صحیحا الاشیئا یخرج من عندنا اهل البیت(ع). امام صادق(ع) این منشور را برای پرورش کارگزار متدین و متعهد مرقوم فرموده است. سعی کن از قدرت اجرایی خود سوء استفاده ننمایی و چیزی از طلا و نقره را اندوخته نکنی که اگر چنین کنی، مصداق این آیه شریفه می‌گردد: «الذین یکنزون الذهب والفضه و لا ینفقونها فی سبیل الله فبشر هم بعباد الیم» نه تنها مال حرام را جمع نکن، بلکه از انفاق مال حلال نیز هر چند به میزان سیر کردن شکم گرسنه‌ای باشد، غافل مباش و آن را کوچک‌شمار که این کار بزرگی است که با آن غضب الهی از تو دور می‌شود. بدان من از پدرم شنیدم و او از پدران بزرگوارش از امیرالمومنین(ع) نقل فرمود که او از پیامبر(ص) شنید که آن حضرت روزی به اصحابش فرمود: کسی که سیر بخوابد و همسایه‌اش گرسنه باشد به خدا و روز قیامت ایمان ندارد. چه همسایه گرسنه مسلمان باشد یا غیر مسلمان. اصحاب گفتند: هلاک شدیم. چون وضع مالی ما چندان مناسب نیست که بتوانیم مستمندان را در یابیم. رسول خدا(ص) فرمود: از زیادی غذا و پوشاک و... خود بهره جوئید و آتش غضب پروردگارتان را خاموش سازید. اگر دو لباس دارید، یکی را بدهید، کمتر غذا بخورید مقداری به فقرا اعلام کنید تا کسی گرسنه و برهنه نماند.

مشکل حکومت اسلامی فقدان قانون آزاد نیست، بلکه کمبود مجری آزاده است.

زیرا قانون الهی از هرگونه جهل و غفلت و تبعیض آزاد است. والله یقول الحق هیچ نقص علمی در محدوده قانون خداوند راه ندارد. نظامی را که ذات اقدس الهی آفرید با این قانون هماهنگ است

آنگاه نوشت: پستی و سستی دنیا را برایت تشریح می‌کنم که بدانی داشتن دنیا شرف نیست که عده‌ای برای آن دور خیز برداشته‌اند یعنی این طور نیست که کسی که وضع مالی خوب شود و از حد متوسط بگذرد، بر شرفش افزوده شده باشد این معنا به طور تفصیل در کلام امیر المومنین(ع) درباره تاسی به رسول خدا(ص) آمده است... «فلینظر ناظر بعقله: اکرم الله محمد(ص) بذلک ام اهانته!» گفتنی است: داشتن مال نقص نیست، برداشت مرفه آنه نقص است وگرنه طمع و تلاش در تولید برای حل مشکلات اقتصادی جامعه عبادت است، تحقیر و اهانت مربوط به تلاش در مصرف است. زندگی مرفه آنه با اهانت الهی همراه است. بنابراین رعایت پنج اصل اجتماعی و اخلاقی و ارزشی زیر برای همگان ضروری است: پس از آن امام صادق(ع) حدیث زهد امیرالمومنین(ع) در دنیا و طلاق دادن آن را یاد آور شده است. تا آنجا که فرمود: من مکارم دنیا و آخرت را از زبان رسول خدا(ص) پیشروی تو قرار دادم (برایت بیان داشتم) بنابراین اگر به نصیحت‌هایم در این منشور عمل کنی، پس اگر بین خود و خدا گناهان شخصی داشته باشی که به وزن کوهها و امواج دریاها باشد امیدوارم که خداوند به قدرت خود از تو بگذرد.

ای عبدالله! مبدا مومنی را بترسانی زیرا پدرم از پدرش از جدش امیرالمومنین(ع) روایت فرمود: اگر کسی فردی را بی جا بترساند، رعب آور به او نگاه کند، خدای سبحان او را در روز یکه هیچ سایه‌ای جز سایه خدا نیست، می‌ترساند و او را به صورت مور ضعیف و ظریفی محسوس می‌کند. یعنی کسی که امروز متکبر باشد، در روز قیامت ذلیلانه محسوس می‌شود، آنگاه امام(ع) در این بخش از منشور به دستوراتی که صیغه اخلاقی و وظیفه تربیتی دارد، اشاره کرده

و فرمود: پدرم از پدرانش از علی(ع) و آن حضرت از پیامبر(ص) روایت کرد که فرمود: هر کس مومن گرفتاری را پناه دهد، خداوند او را در روزی که سایه‌ای جز سایه او نیست، پناه می‌دهد او را از روزی که دلهره بزرگ همه را فرا می‌گیرد، ایمن می‌کند و از بازگشت و سرانجام بد رهایی می‌بخشد و کسی که حاجت برادر مؤمن خود را برآورد، خداوند حاجت‌های فراوانی از او را بر آورده می‌سازد که یکی از آنها بهشت است و کسی که برادر مومن عریانش را بپوشاند، خداوند او را از لباس‌های فاخر بهشتی می‌پوشاند و پیوسته در رضوان الهی است تا آن هنگام که برلباسی که عریان را پوشانده، نخ‌ی باقی باشد و کسی که برادر مومن گرسنه‌ای را سیر کند، خداوند او را از طعام‌های پاکیزه بهشت برخوردار می‌سازد و کسی که تشنه‌ای را سیراب می‌سازد، خداوند او را از ریحق مختوم بهشت می‌نوشاند و کسی که به برادرش خدمت کند خداوند در بهشت خدمت‌گزار او را «ولدان مخلدین» قرار می‌دهد و او را در جوار اولیای طاهربیش سکونت می‌دهد و کسی که به اندازه یک قدم برادر مومنش را بر مرکبی سوار کند، خداوند او را بر ناقه‌ای از ناقه‌های بهشتی حمل می‌کند و فرشتگان مقرب الهی در روزقیامت به او مباحثات می‌کنند و کسی که زنی را به همسری برادر مومنش در آورد که به او انس گیرد و سبب قوت بازوی او گردد و در کنار او به آرامش برسد، خداوند حورالعین را به ازدواج او در می‌آورد و او را با کسی که دوستش دارد از صدیقین از اهل بیت پیامبر(ص) مانوس می‌کند و آنها را نیز با او مانوس می‌سازد و کسی که برادر مومنش را در برابر سلطان ستمگری یاری رساند، خداوند او را در روزی که قدم‌ها هنگام عبور از صراط لرزانند، یاری می‌رساند و کسی که به زیارت برادرش برود البته به سبب نیازی که به او دارد، از زوار خدا نوشته شود و خداوند نیز زائر خود را گرمی می‌دهد. اما گاهی کارش را با صیغه عبادی و قصد تقرب به خدا انجام می‌دهد. یعنی چون خدا از این کار راضی است و اهل بیت(ع) به آن امر کرده‌اند، نیاز ارباب رجوع را بر طرف کند. چنین انسانی که حل مشکل مردم با ایمان را فضیلت و مورد رضای خدا و اهل بیت(ع) و ادخال سرور در قلب مومن می‌داند افزون بر حلال بودن اجرتی که می‌گیرد، روح و ریحان بهشت را نیز برای خود تأمین می‌کند. مانند امور عبادی که شخصی به نیابت از دیگری انجام می‌دهد چون در امور مربوط به نیابت مثل حج نیابی یا نماز و روزه نیابی از هر ده ثواب ۹ ثوابش برای نائب است، یکی برای منوب عنه. بنابر این کارهایی که کارگزاران حکومت اسلامی انجام می‌دهند، اگر با قصد قربت همراه باشد و برای رضای خداوند و عمل به دستورات اهل بیت(ع) انجام پذیرد، رضایت مومن را رضایت خدا تلقی کنند، عبادت است.

پس از آن فرمود: پدرم از پدرانش(ع) از امیرالمومنین(ع) و آن حضرت از رسول خدا(ص) شنید که به اصحابش فرمود: مردم! کسی با زبانش ایمان آورد اما با قلبش ایمان نیآورد، مومن نیست. پس از لغزش‌های مومنان تجسس نکنید، لغزش‌های مومن را دنبال نکنید. چون کسی که لغزش مؤمنش را دنبال کند، خداوند لغزش‌های او را در قیامت دنبال می‌کند و در اندورن خانه اوست او را رسوا می‌سازد پس از آن امام احادیثی را درباره مقام و ارزش مومن نزد خداوند، لزوم حفظ آبروی مومن، ادخال سرور در قلب مومن و... از رسول خدا(ص) و امیرالمومنین(ع) نقل فرمود و در پایان این منشور نوشت: تو را به تقوای الهی و ترجیح اطاعت خدا و چنگ زدن به ریسمان الهی سفارش می‌کنم. زیرا هر کسی که به ریسمان خداوند چنگ زند به صراط مستقیم هدایت می‌شود. پس از خدا پرواکن و کسی را بر رضا و میل الهی مقدم مدار که این وصیت و سفارش خدا به بندگانش است، خداوند غیر تقوا را از بندگان نمی‌پذیرد و جز آن را بزرگ‌نشمده است و بدان که مردمان به چیزی بزرگتر از تقوا واگذار و سفارش نشده‌اند و این سفارش ما اهل بیت(ع) است. پس اگر می‌توانی چیزی از دنیا را بر نگیری، تا فردای قیامت تو را زیر سوال ببرد، پس چنین کن. عبدالله بن سلیمان گفت: هنگامی که نامه امام صادق(ع) به دست نجاشی رسید، در آن نظر کرد و گفت: به خدایی که جز او خدایی نیست مولا و سرورم امام صادق(ع) راست گفت: کسی به متن این نامه عمل نکرده، مگر این که نجات یافت. و او نیز همواره در طول زندگی خود بدان عمل کرد.

منبع: رسالت شماره ۵۹۲۴

